ادامه از صفحه اول

دولت سیزدهم و پرونده مسکن

بلکه ایراد در شیوه مالکیت است. در سال‌های گذشته بخش مسکن جور کاستی‌ها و ناکارآمدی بازار سرمایه را کشیده و در نبود فرصت‌های جذاب و پربازده سرمایه‌گذاری، صاحبان نقدینگی متوجه شده‌اند که بهترین شیوه «سرمایه‌گذاری» و حفظ ارزش دارایی خرید مستغلات است. بسیاری از سخنوران و اهل نظر به این واقعیت تلخ در جامعه امروز ما اشاره می‌کنند که با عنایت به افزایش سریع قیمت مسکن، زمان انتظار برای تملک واحد مسکونی برای فرد حقوق‌بگیر در چند دهه گذشته افزایشی حیرت‌انگیز یافته و درواقع خرید مسکن را برای بسیاری از شهروندان به آرزویی تحقق‌ناپذیر تبدیل کرده است؛ اما کمتر کسی به این واقعیت توجه می‌کند که بی‌توجهی دولتمردان و سکوت‌شان در مقابل جریان تبدیل مسکن به کالایی سهل‌البیع عامل اصلی این افزایش نامتناسب بوده است. در چنین شرایطی برنامه افزایش تولید واحدهای مسکونی آن‌هم در مقیاس وسیع را می‌توان با وضعیتی فرضی مقایسه کرد که مثلا محصول کارخانجات تولید روغن خوراکی توسط چند تاجر طماع به صورت عمده خریداری و با هدف افزایش قیمت احتکار می‌شود؛ اما متولیان امر به جای مقابله با احتکار، برای افتتاح چند کارخانه جدید و افزایش تولید برنامه‌ریزی می‌کنند!

بی‌توجهی به این نکته محوری می‌تواند تبعات ناگواری برای اقتصاد ملی داشته باشد که به چند مورد مهم آن اشاره می‌شود:

۱ - افزایش تولید مسکن بدون توجه به امر مقابله با احتکار نوعی تخصیص نادرست منابع را به دنبال دارد؛ یعنی منابعی که باید در حوزه‌های دیگر صرف می‌شد، صرف تولید مجتمع‌های مسکونی خواهد شد؛ درحالی‌که هم‌اکنون با پدیده خانه‌های خالی روبه‌رو هستیم.

۲ - هرچند افزایش سهم تسهیلات مسکن در کل منابع بانکی و به بیانی کمک بیشتر شبکه بانکی به جریان خانه‌دارشدن شهروندان یک ضرورت است؛ اما در شرایط موجود اقتصاد کشور الزام بانک‌ها به تخصیص تسهیلات بیشتر به بخش مسکن می‌تواند به آتش تورم تازنده فعلی دامن بزند؛ آتشی که دودش بیشتر از همه به چشم اقشار کم‌درآمد خواهد رفت.

۳ - سیاست افزایش سقف وام مسکن در سال‌های گذشته هیچ‌گاه نتوانسته کمکی قابل اعتنا به خانه‌دارشدن شهروندان بکند و بیشتر از آنان، دلالان و محتکران مسکن از چنین سیاستی سود برده‌اند؛ زیرا با این تمهید موفق به فروش و تبدیل به احسن کالای احتکاری خود شده‌اند.

۴ - ساخت مسکن در اراضی دولتی همان‌گونه که وزیر محترم وعده آن را می‌دهد، تعهدات سنگینی را برای دولت در سال‌های آینده ایجاد می‌کند؛ زیرا این اراضی معمولا نیازمند انجام سرمایه‌گذاری کلان برای ایجاد زیرساخت‌ها و امکانات خدمات عمومی هستند. اگر این امکانات با بودجه دولتی فراهم شود، کسری بودجه عظیمی در سال‌های آتی محقق خواهد شد و اگر بنا باشد که خریداران مسکن هزینه این مستحدثات را تأمین کنند، به‌نوعی نقض غرض صورت خواهد گرفت.۵ - ساخت مسکن در حاشیه شهرها هرچند ممکن است امکان خانه‌دارشدن را برای گروهی از شهروندان فراهم سازد، همان‌گونه که مسکن مهر نیز چنین کرد؛ اما نکته مغفول ماجرا این است که با ساخته‌شدن این مجتمع‌ها نه‌تنها قیمت واحدهای مسکونی فعلی کاهش نمی‌یابد؛ بلکه حتی ممکن است افزایش هم داشته باشد؛ زیرا واحدهای مسکونی خارج شهر به دلیل هزینه بالای ایاب و ذهاب هرگز رقیب واحدهای مسکونی موجود نیستند؛ ولی با حضور بی‌ضرر خود شهروندان را متوجه نوعی رانت ریکاردویی مستتر در واحدهای مسکونی موجود می‌کنند.با عنایت به این نکات نگارنده به‌شدت بر این نکته پا می‌فشارد که اولین قدم برای حل معضل مسکن، تلاش منسجم برای اخراج تقاضای سفته‌بازانه از بازار مسکن است. در قدم دوم هم باید به نوعی بازآرایی بازار مسکن پرداخت. به بیان دیگر باید دولت به جای تلاش برای ساخت گسترده مسکن، تلاش کند تا اولا فقط متقاضیان واقعی مسکن در بازار حاضر باشند و ثانیا تولید مسکن توسط انبوه‌سازان حرفه‌ای و متخصص صورت بگیرد؛ انبوه‌سازانی که سودشان را از محل ساخت‌وساز صنعتی و کاهش هزینه تولید و افزایش درجه کارآمدی و نه از محل تملک دارایی مستغلاتی تأمین خواهند کرد.

آگهی دعوت اعضای هیات موسس
موسسه آموزشی عالی آزاد اندیشه معین»
(شماره ثبت: ۲۱۳۹۶ شناسه ملی: ۱۰۱۰۳۳۹۳۸۹۴)
آگهی دعوت اعضای هیات موسس ، موسسه آموزشی عالی آزاد اندیشه معین ثبت شده به شماره ۲۱۳۹۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۳۹۳۸۹۴ جهت تشکیل جلسه هیات موسس . بدینوسیله از کلیه اعضای هیات موسس دعوت می شود تا در جلسه هیات موسس در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۷ ساعت ۱۵ در مرکز قانونی موسسه واقع در تهران – بزرگراه یادگار امام ، تقاطع فرحزاد، خیابان ایثارگران شمالی ، بلوار شهید فیروزی ، بین کوهسار سوم و چهارم ، شماره ۳۶ با کدپستی ۱۹۸۱۸۳۷۵۳۳ به تلفن ۲۲۳۴۳۲۳۰-۰۲۱ جهت دستور جلسه ذیل تشکیل می گردد حضور بهم رسانند.
دستور جلسه :
تمدید مدت ریاست موسسه
رئیس موسسه

اصل کلیه مدارک (شناسنامه مالکیت، کارت موتور سند کمپانی و تسلسل اسناد) موتورسیکلت آپاچی مدل ۱۳۸۷ رنگ آبی به شماره موتور ۷۲۱۳۵۲۰۲ و شماره شاسی ۸۷۰۰۷۶۸ پلاک شماره انتظامی ایران ۱۲۴_۴۲۲۲۲ به نام اینجانب حسن نصرالهی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

محمدعلی سبحانی، سفیر پیشین ایران در قطر:

امروز فقط پاکستان برنده صحنه افغانستان است

زینب اسماعیلی‌سیویری: محمد بن عبدالرحمن آل ثانی، معاون نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر، روز پنجشنبه میهمان تهران بود. سفری که مقصد اولش واشنگتن، مقصد سوم و چهارمش اسلام‌آباد و نهایتا ترکیه بوده است. تهران که در این میانه قرار می‌گیرد، اندکی از هدف و محتوای سفر هویدا می‌شود؛ مسئله افغانستان.افغانستانی که در دو ماه گذشته تحولات شگرف و عجیبی را به چشم دیده است و طالبان بدون کمترین مقاومتی از سوی دولت مرکزی، ایالت‌های افغانستان را یک به یک تصرف کرده‌اند و حالا تنها یک استان باقی مانده است؛ پنجشیر.قطر که در دو سال گذشته میزبان مذاکرات واشنگتن و طالبان بوده، حالا می‌خواهد نقش جدیدی ایفا کند تا شاید طالبان را به شرایط مسالمت‌آمیزی سوق دهد. واشنگتن، ایران و پاکستان نیز در این‌بین نقش دارند و باید دید دستاورد عبدالرحمن آل ثانی از سفر به ایران و پاکستان و ترکیه چه خواهد بود. آیا طالبان با ابتکارعمل قطری تغییری در دولت خود خواهند داد و افغانستان شاهد دولتی فراگیر خواهد بود یا جنگ در افغانستان ادامه خواهد داشت؟ درحالی‌که متن خبرهای رسمی از ملاقات حسین امیرعبداللهیان و ابراهیم رئیسی وزیر خارجه و رئیس‌جمهوری ایران با معاون نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر، حاوی جملاتی تکراری و کلیشه‌ای از چنین ملاقات‌هایی است، با محمدعلی سبحانی سفیر پیشین ایران در قطر درباره این سفر و مذاکراتش گفت‌وگو کردیم.

عکس: محمد عارفی، جماران

◣ درباره سفر وزیر خارجه قطر که معاون نخست‌وزیر هم هستند، شاید بهتر است اول به جایگاه این فرد در سیستمی که او از آن می‌آید، بپردازیم و بعد به محتوای سفر. جایگاه سیاسی آقای محمد بن عبدالرحمن آل ثانی، در ساختار حکومت قطر کجاست؟

ایشان در جایگاه معاون نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر از افراد هم‌نسل و نزدیک به امیر قطر حساب می‌شود. شخصیت خیلی باثبات، کم‌حرف و تأثیرگذاری دارد. در سیاست خارجی قطر بعد از امیر قطر، حرف آخر را او می‌زند. طبیعتا نخست‌وزیر در قطر بیشتر به امور اقتصادی داخلی و مسائل غیرسیاسی دولت می‌پردازد؛ بنابراین چهره بعد از امیر قطر در سیاست خارجی ایشان است؛ پس برنامه‌ریزی سیاست خارجی قطر به شکل واقعی در اختیار ایشان است و دستگاه‌های پشت صحنه کاملا پشتیبان ایشان هستند. باید بگویم یکی از دلایل موفقیت سیاست خارجی قطر همین است که توانسته تمرکز کاملی در فعالیت سیاسی در سطح منطقه‌ای و جهانی داشته باشد و به نظر من او توانسته از عهده کار خودش بربیاید.

◣ پس ما با این مقدمه می‌توانیم بگوییم که این سفر و آمدن ایشان سفر مهمی است.

به نظرم بسیار مهم است.

◣ ایشان قبل از آمدن به تهران در واشنگتن با وزیر خارجه آمریکا دیدار داشتند و بعد از تهران هم به پاکستان رفتند. این قطاری که در این چند مقصد ایشان سوارش است از واشنگتن به تهران و بعد به اسلام‌آباد، برنامه و هدفش چیست؟

مسیر آقای محمد بن عبدالرحمن کاملا نشان می‌دهد که در حال دنبال‌کردن موضوع خاصی است و آن مسئله افغانستان است. قطر هم به دلیل هوش سیاسی رهبرانش و هم به دلیل توانایی‌های مالی بسیار درخورتوجه و با توجه به اینکه درون شورای همکاری خلیج فارس دچار یک مشکل جدی شد، در سیاست خارجی، هدف‌گذاری‌های جدید این بود که در مسائل منطقه‌ای، بیشتر در جهت ایفای نقش مثبت، در کنار آمریکا و کشورهای منطقه غیر از عربستان سعودی فعالیت خود را داشته باشد؛ پس در قضیه افغانستان که دفتر طالبان در قطر بود و یک فرصت برای قطری‌ها به حساب می‌آمد، ورود کرد و ابتکار عملی را به دست گرفت که این ابتکار عمل به گفت‌وگوی بین آمریکا و طالبان منجر شد و بعد به چندین جلسه که در بعضی از آنها بنده به‌عنوان دیپلمات در قطر حضور پیدا می‌کردم و کم‌وبیش فضای تلاش را می‌دیدیم.

قطری‌ها در این کارها دخالت مستقیم و اجرائی نمی‌کردند؛ ولی به‌عنوان میزبان و هماهنگ‌کننده تلاش خیلی زیادی کردند تا این اتفاقات بیفتد. هم آمریکایی‌ها، هم قطری‌ها، هم طالبان و هم حتی پاکستانی‌ها و کشورهایی که درگیر بودند، حاضر بودند. از ایران خیلی تقاضا کردند که ایران هم مشارکت کند. ایران به‌عنوان ناظر در سطوحی شرکت کرد که در آخرین جلسه که وزیر خارجه آمریکا و همین گروهی که الان حاکم‌اند -گروه طالبان- در قطر بودند، من به‌عنوان ناظر حضور داشتم؛ اما در مذاکرات و در داخل صحنه، ایران حاضر نشد؛ چراکه از اول به رفتار آمریکایی‌ها و به حرف‌هایی که آمریکایی‌ها می‌زدند و تلاشی که می‌کردند بدبین بود. ما می‌فهمیدیم که آمریکایی‌ها بیشتر به دنبال این هستند که با طالبان توافق کنند و زمینه خروج خودشان از افغانستان را فراهم کنند. دنبال یک طرح ملی برای کل افغانستان نبودند.

بنابراین قطر الان یک بازیگر است و طبیعی است اکنون که مشکلی به وجود آمده و طالبان به وعده‌های خودش عمل نکرد و دولت یکدستی از بین خودشان اعلام کرد، اینها همه نگران هستند که آن سازوکار و آن ابتکار از بین برود. قطری‌ها دارند سعی خودشان را می‌کنند تا آن سازوکار را برگردانند.

◣ مسیری که فرمودید در دوحه، آیا آن مسیر، منجر به نشست آقای ظریف با گروه طالبان شد یا به نظر شما آن ملاقات از کانال و مسیر دیگری رخ داد؟

طالبان یکی از نیروهای موجود در افغانستان است که با آمریکا در حال مبارزه ۲۰ ساله بوده است. طالبان یک گروه مرتجع یا هرچه هست، اگر دنبال این است که مشارکت و دموکراسی به وجود بیاید و می‌خواهد ثبات داشته باشد، باید همه گروه‌ها را مدنظر داشته باشد؛ بنابراین اگر روزی در موضع کمک به دموکراسی و صلح و امنیت در افغانستان هستید، اشکالی ندارد که نیروی طالبان در جایگاه خودش و به اندازه رأیی که دارد و قدرتی که دارد و در چارچوب یک دولت فراگیر، مورد صحبت قرار گیرد. اگر صحبت نکنید چطور می‌خواهید میانجیگری کنید. الان مشخص شده است کاری که آقای ظریف کرد، کار اشتباهی نبود. الان طالبان در افغانستان حاکم است و آمریکا او را حاکم کرده، با زور و توان و قدرت و توطئه‌ای که همراه پاکستانی‌ها داشتند، این شرایط را فراهم آوردند. ما الان همسایه‌ای داریم که این وضعیتش است. ما باید دنبال همسایه‌ای باشیم که در آن دموکراسی، صلح، ثبات و حقوق بشر برقرار باشد؛ به‌ویژه افغانستان که ما مرزهای فرهنگی مشترک داریم. نظیر زبان فارسی و شیعیانی که آنجا هستند؛ بنابراین به نظرم آقای ظریف و کلا ارتباط ایران با طالبان با مسئله ابتکار آمریکا و دوحه ارتباطی ندارد.

◣ در لابه‌لای فرمایشتان گفتید که ایران با طرح آمریکا در دوحه موافق نبوده. به‌خاطرهمین در سطح ناظر فقط شرکت می‌کردید... .

آن هم به اصرار دولت افغانستان.

◣ اما در ادامه مسیر، ایران در شرایطی قرار می‌گیرد که به دلیل همسایگی، به دلیل ارتباط با گروه‌های مختلف در افغانستان و اقتضائات دیپلماسی با طالبان در سطح وزیر و معاون وزیر خارجه مذاکره می‌کند. این مسئله، این گزاره را به ذهن متبادر می‌کند که ما هر جا که مخالف استراتژی آمریکا هستیم، در یک نشست و یک حرکت دیپلماتیک، اگرچه مخالفیم و در آن نشست شرکت نمی‌کنیم یا در سطح پایین شرکت می‌کنیم؛ اما مجبور هستیم آن کار و آن مسیر را ادامه بدهیم؛ یعنی این اگر خواست ایران هم نبود، ایران مجبور بود که با گروه طالبان مذاکره کند؛ ولی این بازی و این صحنه بازی را واشنگتن چیده بود نه ایران. آیا با این گزاره موافقید؟

من مخالفتی با این حرف به طور کلی ندارم - به هر حال سیاست دولت یک چیز است و دیدگاه‌های شخصی هم یک بحث دیگر است- من معتقدم این غلط است که ما سیاست‌هایمان را در منطقه و هر کجا براساس دشمنی با آمریکا طراحی کنیم. ما با آمریکا یک پرونده جدا داریم که این پرونده در مسائل منطقه‌ای هم تأثیر دارد و اشکالی هم ندارد. با بقیه کشورها هم همین‌طور هستیم، انگلیس، روسیه و چین. با همه کشورها یک سیاست مخصوص با آن کشور داریم. من به‌عنوان یک کارشناس به مقامات کشور و به همه گفته‌ام و باز هم می‌گویم و اعتقاد کارشناسی‌ام این است که از قبل بیاییم سیاست خارجی خودمان را براساس دشمنی با آمریکا طراحی و تنظیم کنیم، منطقی نیست. -تصمیم که با امثال بنده نیست- می‌گویم که ما باید سیاست‌های مستقل با تک‌تک کشورها داشته باشیم و براساس دشمنی با آمریکا، سیاست‌های‌مان را با سایر کشورها تنظیم نکنیم؛ بنابراین گزاره‌ای هم که شما گفتید، وقتی این دیدگاه من واردش بشود تناقضی ندارد؛ اما به نظرم آقای ظریف و اصلا سیاست ایران، در اینکه مراقب طالبان باشد و گفت‌وگو داشته باشد، صحیح بوده است. الان که واضح است. در موضوع همسایه، شما برای حفظ امنیت و برای هزاران مسئله، بالاخره به امر واقع باید توجه کنید. البته این مفهومش این نیست که ابتکاری نداشته باشید. برعکس باید ابتکارهای‌تان را افزایش دهید، برای اینکه اتفاقی در افغانستان بیفتد که منافع و مصالح ایران در آن باشد. امروز فقط پاکستان برنده این صحنه است. آمریکا هم برنده نیست. اتفاقا بازنده اصلی است. قطر هم در این مسئله بازنده است. این وضعیتی که الان پیش می‌آید که اگر چاره نشود، منجر به جنگ داخلی و شکل‌گیری مقاومت خواهد شد. این برای آمریکا و قطر یا برای غربی‌ها به طور کلی مطلوب نیست. سفیر سوئد در موضوع افغانستان به دیدار من می‌آمد در قطر، شنیدم که سفارتشان را اشغال کرده‌اند. این اتفاقی که افتاد و این وعده خلاف طالبان به هر حال به شکلی به پاکستان مربوط است. ارتباطات طالبان با پاکستان به گونه‌ای است که اسلام‌آباد می‌تواند کنترلش کند. اینها همه سؤالاتی است که امروز وجود دارد و این‌طور نیست که بگوییم افغانستان تمام شد و رفت. شکل‌گیری قدرت، فعالیت‌های مدنی و دولت و فرهنگ دموکراتیک در افغانستان، اتفاقاتی است که باید رخ دهد. طالبان بخشی از افغانستان است با یک طرز فکر ارتجاعی. ما در همه کشورها داریم و در خود ایران هم هستند، آدم‌هایی که معتقد هستند باید سر کلاس‌های دانشگاه‌ها چادر بکشند. مگر نبود؟ مگر در ایران نیست و نبود؟ اتفاقا اینکه آقای ذوالنوری و آقای شریعتمداری این روزها گفتند اصلاح‌طلبان به افغانستان و پنجشیر بروند، این حرف سخیفی است که آنها برای برهم‌زدن ذهن مردم می‌زنند تا خودشان پاسخ‌گو نباشند.

◣ اساسا نظر آقای شریعتمداری، فروکاستن یک مسئله مهم ملی و دیپلماتیک به یک مسئله داخلی است و اتفاقا به نظر می‌رسد یکی از نشانه‌های پررنگ این است که آقای ظریف می‌گفت هشت سال سیاست خارجی را با مسائل داخلی به هم مرتبط کرده‌اید.

همین‌طور است. به‌هرصورت می‌خواهم بگویم اینکه شما با یک گروهی مذاکره می‌کنید یا حتی با یک کشوری، به مفهوم قبول‌داشتن طرف مقابل نیست. کلا سیاست خارجی گذشته ما که با این مجموعه مذاکره کرده، منجر به این شده که در حوزه تمدنی و در حوزه مشترک فرهنگی‌مان الان کمترین لطمات و آسیب‌ها را دیدیم و شنیدم یکی از کارشناسان پیشنهاد خیلی خوبی کرده است که ایران با طالبان مذاکره کند که مثلا پنجشیر را از درگیری و محاصره خارج کند. ما اکنون به این‌گونه کنش‌ها نیاز داریم. جنگ‌سالاری و درگیری‌ها در صورتی است که طالبان بخواهد تا آخر خط خودش را برود. ما ایران هستیم که چندین‌میلیون افغانستانی در اینجا ساکن هستند و این مسائل خاصی دارد. اگر کنار ما در یک کشوری قرار باشد اتفاقاتی بیفتد که منجر به جنگ داخلی شود، وظیفه ماست که در آن حضور فعال و جدی داشته باشید. حالا کیفیت این حضور بحث دیگری است. حتما نباید کاری کنیم که منجر به درگیری‌های مرزی شود. حتما نباید کاری کنیم که مردم افغانستان ساحت‌های مدنی و وحدتشان به هم بخورد و جنگ داخلی ایجاد شود. تلاشمان باید در این جهت باشد. اتفاقا کاری که الان اصلاح‌طلبان در دفاع از جامعه مدنی افغانستان می‌کنند، کاری بس عظیم است و می‌تواند مکمل کاری باشد که دولت دارد می‌کند. دولت دارد سعی می‌کند که امنیت حفظ شود، درگیری نشود و مشکلات به وجود نیاید. خصوصا این شکی که ما در مورد آمریکایی‌ها داشتیم این بود که آمریکایی‌ها طالبان ضدآمریکایی را رها کنند در افغانستان و خودشان را بکشند کنار و امتیازاتی به آنها بدهند. ما هنوز نمی‌دانیم در آن توافق‌نامه بین طالبان و آمریکا چه توافقاتی شده است. نگرانی این وجود داشت که این طالبان با آن ویژگی، خصوصیت و جهت‌گیری‌اش بشود ضد ایران. ما دنبال این هستیم که جهت‌گیری طالبان به سمت دولت وحدت ملی برود و به سمت اینکه مرزهای ما ناامن نشود و اگر در افغانستان دولت فراگیر به وجود نیاید، این امکان وجود ندارد که امنیت به افغانستان برگردد. برای ایران امنیت و حفظ ذخیره‌های فرهنگ مشترک ایران‌شهری از همه‌چیز مهم‌تر است.

◣ به مبحث سفر وزیر خارجه قطر بازگردیم. قطر در این سفر و در کل در رایزنی‌های دیپلماتیک فعلی دنبال چیست؟ شما فرمودید با ماجرای تحریم قطر توسط عربستان، سیاست دوحه از ریاض متمایز شد. در این فقره به نظر می‌رسد سیاست قطر با عربستان مشابهت‌هایی دارد. چه از نظر میزبانی دفتر سیاسی طالبان در دوحه و بعد میزبانی مذاکرات طالبان و واشنگتن. به نظر می‌رسد بر سر طالبان نقطه اشتراک و هم‌سویی بین ریاض و دوحه رخ داده است.

اختلافات عربستان و قطر به مسائل جدی برمی‌گردد و خیلی زیاد است. اما در مباحث فرهنگی این حرف شما می‌تواند درست باشد، چون طالبان می‌تواند در حوزه فرهنگی وهابیت تعریف شود و از این جهت می‌تواند زمینه‌ای باشد که منجر به نزدیکی بیشتر عربستان و قطر شود اما بستگی به شرایط منطقه و مسائل دیگری هم دارد. در این مورد البته درواقع هنوز نمی‌توان قضاوت قطعی کرد اما حوزه فرهنگی طالبان در حوزه فرهنگی قطر هم تا حدودی قابل‌تأمل است اگرچه در حوزه عربستان خیلی بیشتر نزدیکی وجود دارد. اما موضوع ابتکار عمل قطر یک موضوع سیاسی است. قطر به دنبال این است که مشکلات منطقه کاهش یابد و بستر آن رابطه خوب ایران و قطر و دیدگاه خوب قطر نسبت به ایران است. همین وزیر خارجه قطر بارها اعلام کرده که ما دنبال حل مشکل ایران با کشورهای منطقه و دنبال حل مشکل ایران و آمریکا هستیم. یقینا در این سفر هم موضوع روابط دوجانبه و هم موضوع ایران و آمریکا مطرح شده است. آنها همیشه مایل به کاهش تنش بین ایران و آمریکا هستند. چون شریک استراتژیک آمریکایی‌ها هستند و رفیق و دوست ایران که رابطه بسیار خوبی با کشور ما دارند. قطر هم تعهداتی با شورای همکاری خلیج فارس دارد و نامناسب‌بودن رابطه ایران با اعضای شورای همکاری خلیج فارس منجر به ضرردیدن قطر می‌شود؛ همان‌طورکه نامناسب‌بودن روابط بین کشورها به دیگران نیز آسیب می‌رساند. قطر به دلیل جایگاه بین‌المللی و شرایطی که دارد، این تلاش‌ها را می‌کند تا بهره ببرد. همان‌طورکه تا الان هم بابت نقشی که در میزبانی مذاکرات طالبان و آمریکا ایفا کرده، این بهره را برده است. الان هم کسی بابت اتفاقاتی که در افغانستان رخ داده به قطر ایرادی نمی‌گیرد. او طرف حساب هیچ گروهی در افغانستان نیست، هم سفارت افغانستان در قطر هست و هم طالبان در قطر دفتر دارد.

◣ طرح قطر برای افغانستان چیست؟

قطر طرحی نداشت، ابتکار داشت.

◣ یعنی فقط می‌خواهد نقش میانجی ایفا کند؟

بله، قطر فرصتی ایجاد کرد. ابتکار داشتند؛ سفر کردند و بحث کردند و با همه طرفین صحبت کردند تا نقطه اشتراکی ایجاد کنند که آمریکا و طالبان و پاکستان به رایزنی با هم بپردازند. پاکستان هم توان کنترل طالبان را دارد. ایران باید با پاکستان گفت‌وگوهای جدی کند تا از خطرات عدم کنترل رفتار طالبان آگاه شوند. نقطه ارتباطی قطر همیشه در رابطه با پرونده‌های منطقه‌ای و روابط دوجانبه با ایران است. حتی اکنون عمان را به این فعالی نمی‌بینیم. قبلا این نقش‌ها را بیشتر عمان بازی می‌کرد.

◣ بله سؤال بعدی من هم این بود که آیا قطر دارد جای عمان را در این عرصه می‌گیرد؟ بعد از تغییرات پادشاهی در عمان، نقش مسقط در این‌گونه معادلات کم‌رنگ شده است.

هیچ مانعی برای ابتکارات عمان وجود ندارد. به نظر می‌رسد بعد از مرگ سلطان قابوس و تغییراتی که رخ داد، کمی زمان نیاز دارند تا به پختگی پیشین بازگردند و ابتکاراتی داشته باشند. من هیچ تضادی برای ابتکارات عمان و قطر نمی‌بینم و معتقد هستم که بسیار مثبت است که تعداد بیشتری از کشورها از راهبرد عربستان که راهبرد غیرمنطقی در سال‌های اخیر بوده است، فاصله گرفته و راهبرد گفت‌وگو را پی بگیرند. چند سال پیش آقای روحانی طرح صلح هرمز را مطرح کردند که همه کشورهای حاشیه خلیج فارس کنار هم جمع شوند تا همه با هم در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فنی و امنیتی با هم کار کنند. در نهایت کار هیچ دولتی در ایران نیست که به همین نتیجه‌ای که آقای روحانی گفت و قبلش هم گفته شده بود، نرسد. علت حضور خارجی‌ها در منطقه را این می‌دانیم که ما با هم اختلاف داریم و اگر اختلاف‌ها حل شود، نیازی به حضور آنها نیست. در شرایط رخ‌داده فعلی است که مسابقه تسلیحاتی و نظامی رخ می‌دهد. در این شرایط ما باید از هر ابتکار عمل دیپلماتیکی که به دنبال صلح و آرامش در منطقه است، استقبال کنیم.

◣ مسئله باز سال‌های زیاد ایران و آمریکا، بحث هسته‌ای ایران است و الان با تغییر دولت در ایران و متوقف‌ماندن مذاکرات بر سر احیای برجام، بسیاری کشورها به‌ویژه اعضای ۱+۵ ابراز نگرانی می‌کنند. شما فکر می‌کنید قطر با توجه به اینکه مقصد اولش واشنگتن بوده، درباره این موضوع هم با ایران صحبت کرده و اصلا می‌تواند میانجی احیای برجام شود؟

من اطلاعی ندارم که صحبت کرده یا نکرده، ولی در موضوع برجام و در زمینه گفت‌وگوهای ایران و آمریکا و حل این مشکلات، یکی از اولویت‌های جدی قطر همین است که رابطه بین ایران و آمریکا بهبود پیدا کند تا قطر بتواند با فراغت بال بهتری موضوع بازی‌های جام جهانی را دنبال کند و توسعه کشورش و بندرهای آزادی که پیش‌بینی کرده و افزایش تجارت و قدرت اقتصادی‌اش در منطقه را پی بگیرد. بنابراین دنبال بهبود رابطه ایران و آمریکا بوده و خواهد بود.

ادامه در صفحه ۸

گزارش

سخنان نماینده ایران در سازمان ملل درباره افغانستان:

دولتی که با زور به قدرت برسد به رسمیت شناخته نمی‌شود

● سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد ضمن محکوم‌کردن حمله «غیرقابل‌توجیه» به پنجشیر اعلام کرد ایران آماده تسهیل انتقال کمک‌های بشردوستانه به افغانستان است. مجید تخت‌روانچی در سخنانی در نشست شورای امنیت سازمان ملل گفت: «افغانستان درحال عبور از یک مقطع بحرانی است. صدها هزار نفر از کشور گریخته‌اند، نزدیک به ۶۰۰ هزار نفر دیگر در داخل آواره شده‌اند، مواد غذایی ضروری در حال اتمام است و ۱۸.۴ میلیون نفر به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند». وی تصریح کرد: «این وضعیت قبل از هرچیز نتیجه مستقیم مداخله آمریکا و دیگر نیروهای خارجی در افغانستان و خروج غیرمسئولانه آنهاست. آنها زمانی که وارد افغانستان شدند، برای افغان‌ها مصیبت به ارمغان آوردند و هنگامی که آنجا را ترک کردند، برای افغان‌ها فاجعه به جای گذاشتند». تخت‌روانچی اظهار کرد: «در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ نزدیک به ۱۶۵ هزار افغان کشته شدند و تلفات کودکان نیز حدود ۳۳ هزار نفر تخمین زده می‌شود. این آمارها به‌تنهایی نشان‌دهنده شدت و دامنه مرگ و ویرانی است. جنایات جنگی نیروهای خارجی در افغانستان نباید بدون مجازات بماند».

وی گفت: «با توجه به لزوم تأمین احتیاجات اولیه میلیون‌ها نفر نیازمند در افغانستان، ایران آماده تسهیل انتقال کمک‌های بشردوستانه به این کشور از طریق بنادر، فرودگاه‌ها، راه‌آهن، جاده‌ها و گذرگاه‌های مرزی ایران است». وی اضافه کرد: «طی بیش از چهار دهه، ما میزبان میلیون‌ها پناهنده افغان بوده‌ایم. بعد از بحران اخیر، پناهندگان بیشتری وارد خاک ایران شده‌اند. ما از جامعه بین‌المللی انتظار داریم به مسئولیت خود عمل کرده و اقدام بیشتری در تأمین کمک به این پناهندگان انجام دهد». تخت‌روانچی گفت: «همچنین باید به مردم افغانستان برای رسیدن به صلح پایدار، ثبات و رفاه کمک کرد. تحقق کامل این هدف باید به‌ویژه توسط کشورهای همسایه مورد حمایت و تسهیل قرار گیرد».

وی با اشاره به اولین نشست مجازی وزرای خارجه همسایگان افغانستان اعلام کرد دور بعدی نشست در آینده‌ای نزدیک در تهران برگزار می‌شود. وی تصریح کرد: «در جولای امسال، ایران میزبان مذاکرات صلح هیئت‌های عالی‌رتبه دولت افغانستان و طالبان بود. آنها موافقت کردند در جلسه بعدی به مذاکرات خود ادامه دهند. ایران آماده است میزبان دور بعدی چنین مذاکراتی باشد». تخت‌روانچی تأکید کرد: «ایران مجددا از همه رهبران مذهبی، زبانی، قومی و سیاسی افغانستان می‌خواهد منافع همه مردم افغانستان را بر منافع بخش خاصی از جامعه ترجیح دهند، چون افغانستان متعلق به همه افغان‌هاست».

دیپلمات ارشد ایران گفت: «حمله غیرقابل‌توجیه اخیر و برادرکشی قابل محکومیت در پنجشیر در تضاد با موضع متحد جامعه جهانی است که بر اساس آن هر دولتی که با زور در افغانستان به قدرت برسد به رسمیت شناخته نخواهد شد». او اظهار کرد: «راه ثبات، صلح بادوام و توسعه پایدار در افغانستان عملا از مذاکرات درون‌افغانی با مشارکت فعال و برابر نمایندگان واقعی تمام گروه‌های قومی، زبانی و مذهبی می‌گذرد که هدف آن یافتن یک راه‌حل عادلانه و پایدار برای بحران، دستیابی به آشتی ملی و ایجاد یک دولت واقعا فراگیر برآمده از آرای مردم در انتخاباتی آزاد و عادلانه از جمله با مشارکت کامل زنان هم به‌عنوان رأی‌دهنده و هم به‌عنوان نامزد و متعهد به مبارزه با تروریسم و جرائم سازمان‌یافته باشد و حقوق بشر تمام مردم افغانستان از جمله اقلیت‌های قومی، زبانی و مذهبی و زنان را بر اساس آموزه‌ها و اصول اصیل اسلامی تضمین و حمایت کند». تخت‌روانچی افزود: «ما انتظار داریم طالبان به تعهدات خود در این زمینه عمل کند. چنین دولتی از حمایت ایران برخوردار خواهد بود».

وی تأکید کرد: «مانند دیگر همسایگان افغانستان، ما به‌شدت نگران ناامنی و بی‌ثباتی در این کشور و همچنین تهدید شبکه‌های تروریستی و جنایتکاران سازمان‌یافته فعال در زمینه قاچاق مواد مخدر و انسان هستیم». سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان ملل خاطرنشان کرد: «ما همچنین قویا معتقدیم تحت هیچ شرایطی نباید از خاک افغانستان برای تهدید یا حمله به کشوری یا پناه‌دادن یا آموزش تروریست‌ها، یا برنامه‌ریزی یا تأمین مالی فعالیت‌های تروریستی استفاده شود». دیپلمات ارشد ایران در سازمان ملل گفت: «به گروه‌های تروریستی مانند داعش که تهدیدی بزرگ برای افغانستان و منطقه هستند نباید اجازه فعالیت در افغانستان داده شود». وی افزود: «افغانستان برای فائق‌آمدن بر مشکلات کنونی خود به کمک نیاز دارد. ما پیوند افغانستان به‌عنوان یک کشور محصور در خشکی را از طریق بندر چابهار ایران با دریاهای آزاد و از طریق راه‌آهن خواف ـ هرات با اروپا برقرار کرده و آماده‌ایم تا همکاری‌های خود را با آن در تمام زمینه‌ها بیشتر توسعه و تعمیق بخشیده و به تحقق یک افغانستان امن و مرفه کمک کنیم».